

دو ماهنامه علمی- پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال یازدهم شماره ۲، مرداد و شهریور ۹۹، پیاپی ۴۳

شاپا چاپی: ۶۳۶۹-۲۰۰۸ شاپا الکترونیکی: X-۷۲۳-۴۲۳۵۲

<http://jedu.miau.ac.ir>

کاربرد دلالت‌های فلسفی و تربیتی جان دیوئی برای مدیران آموزشی

فلکناز آتشی*^۱، سید هاشم گلستانی^۲ و محمدرضا شمشیری^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۰ صص ۳۳۳-۳۴۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۶

چکیده

پژوهش حاضر با هدف احصای دیدگاه‌های جان دیوئی و کاربرد دلالت‌های فلسفی و تربیتی او برای مدیران آموزشی به روش کتابخانه‌ای - تحلیلی انجام شد. تکنیک مورد استفاده، تحلیل استنتاجی از آثار او و تفاسیر دلالتی از مکتب و دیدگاهش بود. از آنجا، جان دیوئی مشخصاً درباره مدیران آموزشی و اداره کنندگان مدارس، سخنی به میان نیاورده است و جملات انگشت شماری در مورد اداره کنندگان مدارس، گفته است، لذا ابتدا به تبیین مختصات مدرسه مدنظر جان دیوئی براساس دیدگاه‌های فلسفی او، پرداخته شد که مختصاتی همچون تعلیم و تربیت به مثابه تجربه، تبیین ماهیت رغبت و انضباط در این نوع مدرسه، نوع تفکر، روش اداره مدرسه و توجه به اجتماعی‌دروس و محتوا استخراج و در مرحله بعدی وظایفی برای مدیران همچون انعطاف‌پذیری در انتخاب و تحقق اهداف، طراحی فضای فیزیکی مدرسه، ارتباط دادن مدرسه با جامعه و فراهم آوردن محیط بازی و تفکر و کار برشمردیم.

کلید واژه ها: جان دیوئی، مدیران آموزشی، دلالت‌های فلسفی و تربیتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اصفهان (واحد خوراسگان)

* نویسنده مسئول: falakanazatashi1347@gmail.com

۲ استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اصفهان (واحد خوراسگان)

۳ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اصفهان (واحد خوراسگان)

مقدمه

اندیشه های جان دیوئی پس از گذشت سالیان طولانی هم چنان در سرتاسر دنیا مورد توجه محققان و دانشمندان بسیاری قرار دارد و بسیاری از آن ها هم چنان تحت تأثیر افکار او قرار دارند. او با طرح موضوعاتی از قبیل ابعاد تربیتی و اجتماعی انسان، نقش دموکراسی در زندگی، روش حل مسئله، تجربه مستمر، فرآیند هدف و وسیله، رشد به عنوان هدف آموزش و پرورش، اصل استمرار یادگیری، وابستگی روش و محتوای درسی، به کارگیری روش های آزمایشی، وحدت علوم و دروس و انتقاد از اهداف آرمانی و تحمیلی و دورنگر در آموزش و پرورش و انتقاد از روش های جامعه استبدادی و متکی به انضباط و معلم محوری در تعلیم و تربیت، وضعیت نامعلوم و نامناسب آموزشگاه های عصر خود را آشکار ساخته و نهایتاً موجب ایجاد تحولی اساسی در نگرش مردم در خصوص مسائل انسانی اجتماعی و تربیتی گردید. به گفته او، آموزش و پرورش، زندگی است نه آماده شدن برای زندگی. بنابراین در مدارس باید زندگی واقعی جریان داشته باشد، نه الگویی کلیشه ای و ناهمگون از زندگی، تربیت مؤثر باید به تقویت و توسعه توانایی ها و قابلیت های دانش آموزان در مدرسه، خانواده و جامعه منجر شود. (Dewey, 1990) هادی و اداره کننده چنین مدرسی، مدیران آموزشی هستند که نقش حساسی را به عهده دارند. با گسترش سازمان های آموزشی به دلایل مختلف از جمله افزایش جمعیت، تقاضای فزاینده برای برخورداری لازم از آموزش علمی، موضوع مدیریت آموزشی و مدیران آموزشی مورد توجه قرار گرفت. از طرف دیگر اهمیت جایگاه و نقش مدیران آموزشی به عنوان طراحان، هدایتگران و اداره کنندگان اصلی سازمان آموزش و پرورش بر کسی پوشیده نیست. مدیران آموزشی اصلی ترین سرمایه های سازمانی هستند و موفقیت سازمان ها تا حد زیادی مرهون شایستگی و صلاحیت آن هاست. در واقع هیچ سازمانی را نمی توان یافت که موفقیت پایدار را تجربه کرده باشد و از وجود مدیری خردمند برخوردار نبوده است (Haji Mir Ghasemi, 2015). بنابراین، این که، یک مدرسه ای به شیوه ای تفکرات فلسفی و تربیتی جان دیوئی اداره شود باید مدیران آن نیز، عملکردها و اقدامات متناسب با آن را پیاده سازی کنند. لذا لازم است که ابتدا، دیدگاه جان دیوئی در تربیت علی الخصوص اداره مدرسه متناسب با دیدگاه آن روشن شود. دیوئی یکی از نمایندگان برجسته فلسفه پراگماتیسم است. او فلسفه خود را گاه کارکرد گرایی و گاه ابزار گرایی می نامد و این مفهوم را می توان از نظر او درباره اعمال ذهنی در یافت. وی به پیروی از داروین، اعمال ذهنی و از جمله تفکر را نوعی کارکرد یا عمل حیاتی می داند که موجودات زنده و از جمله آدمی را در انطباق با محیط و تسلط بر آن یاری می کند (Kardan, 2002). دیوئی انسان را به عنوان یک کل واحد، به عبارتی فرد در محیط در نظر می گیرد و بر این

اساس به جای تبیین و توصیف ذهنی انسان به مطالعه رفتار انسان ها پرداخته و عوامل عینی موثر در شکل گیری رفتار انسان یا تغییر رفتار در انسان و آثار عملی رفتار را در زندگی واقعی مورد بررسی و تفحص قرار می دهد. در باب غرایز و انگیزه های انسانی دیوئی می گوید: " غرایز تقریباً در همه جا یکسان می باشند و به طور صریح و روشنی غرایزی از قبیل ترس، خشم، رقابت، رهبری در نهاد انسان وجود دارد و غرایزی مانند غریزه اجتماعی، کنجکاوی و کشف هنر و خودنمایی از غرایز دوران مدرسه و کودکی است (Dewey, 1939). دیوئی در مقدمه کتاب "اخلاق و شخصیت" به صراحت بد بودن ذاتی بشر را نفی کرده است و تلویحاً از میل و گرایش طبیعی و ذاتی انسان به فضایل و نیکی ها یاد کرده است. او می گوید اگر درست به تاریخ اخلاق بنگرید مشاهده می کنید خوی انسانی همواره با تردید و وحشت و بدبینی نگریسته شده و از آغاز به چنان صورت زشت و گستاخی در آمده که کار اخلاق تنها منحصر به یافتن راه های تسلط بر این طبع سرکش گردیده است (Dewey, 1955). وی بسیاری از امور نیک انسانی از قبیل درستکار بودن، شجاع بودن و مهربان بودن را ناشی از فضایل طبیعی انسان قلمداد کرده و خوی و طبع بشری را منبع فضائل و نیکی ها می داند. کردار و رفتار آدمی را مولود تاثیر متقابل طبیعت خوی آدمی از یک طرف و محیط طبیعی و اجتماعی از طرف دیگر می داند و به همین دلیل معتقد است برای قضاوت در هر اقدامی هم باید منشا آن را در نظر بگیریم و هم عواقب آن را. به عبارتی قبل از قضاوت درباره نیکی یا بدی، میل یا خوی و طبع فردی باید به دقت بیشتری درباره نتایج اعمال آن ها قضاوت کنیم (Dewey, 1962). اینک این پژوهش در نظر دارد با استعانت از دیدگاه های این فیلسوف عملگرا، دلالت های تربیتی و فلسفی را با اهداف زیر که متناسب با نقش مدیران آموزشی باشد را احضا و تبیین نماید.

- تبیین مختصات آموزش و پرورش (مدرسه) مدنظر جان دیوئی
- تبیین وظایف اداره کنندگان و راهبران آموزشی متناسب با مدرسه مدنظر جان دیوئی
- مولفه و اوصاف مبانی فلسفی جان دیوئی

پیشینه پژوهش

(Askarian, 2016) در کتابی تحت عنوان سازمان آموزش و پرورش ضمن بیان وظائف شاگردان و سازمان آموزش و پرورش به وظائف ذاتی مدیران آموزش و پرورش پرداخته است. در این کتاب از وظائف مهم مدیر برقراری ارتباط با فراگیران سازماندهی، داشتن طرح و خلاقیت برشمرده شده است. (Arjuni, 2016) مطالعه‌ای با عنوان بررسی نظرات جان دیوئی

در فلسفه تعلیم و تربیت به روش کتابخانه‌ای و اسنادی تحلیلی انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که فلسفه پراگماتیسم به ویژه آراء جان دیویی در اکثر حوزه‌های تعلیم و تربیت تغییرات اساسی را به وجود آورده است. روش تدریس از شکل سنتی حفظ و تکرار به روش آزمایشی تغییر پیدا کرده است. هدف تعلیم و تربیت به رشد و بازسازی تجربه و نقش شاگردان نیز از حالت انفعالی خارج شده و به شرکت‌کنندگان فعال یادگیری تبدیل شده‌اند. به طور خاص نیز درباره دلالت این فلسفه برای نقش معلم باید گفت که معلم نقش سنتی دستوردهنده را ندارد و در عوض نقش هدای کننده یادگیری را بر عهده دارد. (Nowruz and Shahriari, 2016) در مقاله تحت عنوان واکاوی روش شناسی پیرس مهم آن بر رویکردها و روش‌های پژوهش. با تحلیل محتوایی که از آثار موجود در رابطه با فلسفه پیرس انجام شد، روش شناسی این فیلسوف آمریکایی و بررسی سهم آن بر رویکردها و روش‌های پژوهش مورد توجه قرار گرفت. این بررسی ضمن این که بیانگر ارتباط پیرس در حوزه روش با فن خطابه نظری در منطق، مقولات سه گانه و انواع استدلال است، نشان می‌دهد که پیرس در فلسفه خود از سه روش پراگماتیک، دستیابی به مقولات فلسفی و روش‌های تثبیت عقیده سخت می‌گوید. (Sarmadi and Faramarzi Grossi, 2016) مطالعه‌ای با عنوان دلالت‌های تربیتی مبانی ارزشی از منظر ژان ژاک روسو و جان دیویی انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد مبانی تربیتی ارزش‌ها از نگاه روسو و دیویی، تجربی، عینی، طبیعی و تدریجی است. تنها با این تفاوت که، تجربه مورد نظر روسو، فردی و در تعامل با محیط طبیعی به دور از اجتماع و دیگران است. دیویی این تجربه را صرفاً اجتماعی و در تعامل با پدیده‌های اجتماع و انسان-ها می‌داند. روسو معتقد است ارزش‌های دینی و اخلاقی، ذاتاً طبیعی در تعاملی فردی و عینی است. دیویی درباره ارزش‌های اخلاقی و دینی (خدا، روح، فرشتگان و مجردات) معتقد به اصل سودمندی آن‌ها در عمل است. روسو علم و دانش را عامل فساد انسان و ارزش‌ها می‌داند، دیویی نیز علم و پیشرفت را دارای پیامدهای اخلاقی می‌داند. او معتقد است علوم و فنون زمینه حرکت به سوی شر و فساد را دارند اما با مسوولیتی که در قبال اجتماع ایجاد می‌کنند می‌توان مسیر حرکتشان را متوقف کرد و میدان بروز و خودنمایی را از آن‌ها گرفت. (Nowruz and Jahani, 1394) مطالعه‌ای با عنوان ویژگی‌های روش علمی جان دیویی و کاربرد آن در کلاس درس انجام دادند. این پژوهش از جمله طرح‌های تحقیق کیفی است که می‌توان آن را در زمره پژوهش‌های تحلیلی توصیفی نیز قرار داد که براساس متون دست اول، منابع کتابخانه‌ای و منابع الکترونیک صورت گرفته است. در این پژوهش به سه سؤال: ۱- ویژگی‌های روش علمی دیویی و دیدگاه او در این زمینه به طور کلی چگونه است؟ ۲- کاربرد روش علمی دیویی در کلاس درس چگونه می‌تواند باشد و چه تأثیری دارد؟ ۳-

مولفه و اوصاف مبانی فلسفی جان دیویی چیست؟ به صورت جداگانه و به طور کامل و براساس نظرات و دیدگاه‌های دیویی پرداخته شده است. نتایج نشان داد در کلاس درس استفاده از روش حل مساله مفید است و باید به آن پرداخته شود. (Mossadeghzadeh et al., 2015) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی دیدگاه زیبایی شناختی دیویی در تعلیم و تربیت نشان دادند که هنر را می‌توان یکی از کارآمدترین ابزار و روش‌های تربیت آدمی در عصر امروز به شمار آورد که نتایج و آثارش در ابعاد گوناگون به ویژه در زمینه خلاقیت و سلامت روانی قابل مشاهده است، لذا از دیدگاه جان دیویی محیط کلاس و مدرسه باید برای پرورش استعداد هنری دانش‌آموزان مساعد باشد و موجبات تشویق و توفیق آن‌ها را در زمینه‌های مختلف هنری فراهم کرده و حس قدردانی آن‌ها را در مقابل میراث هنری جامعه برانگیزد. (Ansari, 2014) در مقاله با عنوان تحلیلی بر نظریه تجربه زیباشناسی جان دیویی، ضمن تعریف زیباشناسی اشاره دارد به اینکه دیویی زیباشناسی را وارد مباحث تعلیم و تربیت کرد و تاکید بر مؤلفه‌های زیباشناسانه تجربه از نگاه جان دیویی، تجربه زیباشناسی را روشن ساخته و ارتباط آن با تربیت را آشکار سازد. نتایج حاصل این پژوهش روشن کننده این است که در تجربه زیباشناسی عوامل مؤثر و هنرمندانه‌ای مانند احساس، ابزار و تحلیل در کنار خردورزی از اجزای ضروری تربیت به شمار می‌آید و موجب تکمیل تجربه، درک، معنی و فهم ارزش در افراد می‌شود. (Taghipour zohr, 2011) در کتاب برنامه‌ریزی آموزشی و درسی ضمن پرداختن به مسائل اساسی آموزش و فنون برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به مبانی فلسفی برنامه‌ریزی نیز اشاره کرد. وی در مبحثی تحت عنوان مکاتب فلسفی و آموزش و پرورش به مکتب پراگماتیسم پرداخته و به ماهیت تغییر، نسبی بودن ارزش‌ها، ماهیت اجتماعی و زیستی اشاره کرده است. (Romi, 2014) در مقاله تحت عنوان نظریه رشد و دیدگاه هستی‌شناسی دیویی در جامعه، به بیان ارتباط میان این دو پرداخته است. در این مقاله ضمن اشاره به ارتباط میان آموزش و پرورش به عنوان رشد و جوامع دموکراتیک که توسط دیویی ارائه شده بود مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت و از دلایل این نظریه شکست نقش ساختارهای اجتماعی در رشد و تجربه است. دیویی به اصلاح این نظریه براساس رشد و تجربه فردی پرداخته است. هدف این مقاله بازسازی دیدگاه دیویی درباره رشد و تجربه در جامعه می‌باشد. در ادامه دیویی نظریه نقش رشد و تجربه در جامعه براساس دیدگاه هستی-شناسی خود را کامل کرد. اگرچه نظریه متعلق به سال‌های قبل است ولی مورد استفاده است. (Jaja and Badi, 2013) در مقاله تحت عنوان معرفت‌شناسی و تعلیم و تربیت جان لاک، در این مقاله به بررسی و سهم جان لاک در فلسفه و به ویژه معرفت‌شناسی او پرداخته و این تصور او را که مبتنی است بر تقدم تجربه به عنوان اساس همه دانش‌ها،

مورد بررسی قرار داده است. برای جان لاک، یک تمایز روشن بین تصورات ساده و پیچیده وجود دارد. در این مقاله هم چنین به طور کلی به بررسی مفهوم کیفیت‌های اولیه و ثانویه، جایگاه او از ارزش‌های سودمند و پیامدهای کار عملی در تعلیم و تربیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. (Milton, 2001) در مقاله تحت عنوان تربیت از نگاه جان دیویی، به بحث یادگیری و فرایند آن اشاره کرده است. در این مقاله به یادگیری فعال اشاره شد و تلاش شده که کودک خود در امر یادگیری فعال باشد نه منفعل. هم چنین تاکید بر یادگیری اجتماعی دارد. هم چنین در مقاله به یکی از اصول یادگیری (تأثیر تجربیات گذشته بر تجارب حال و ارتباط آن‌ها) اشاره شده است. هم چنین به یکی دیگر از تئوری‌های دیویی در زمینه نیاز یادگیرنده با محیط که بعداً به نام یادگیری تجربه مشهور شد، پرداخته است.

سوالات پژوهش

- مختصات آموزش و پرورش (مدرسه) مد نظر جان دیویی چگونه است؟
- وظایف اداره کنندگان و رهبران آموزشی متناسب با مدرسه مد نظر جان دیویی چیست؟
- مولفه و اوصاف مبانی فلسفی جان دیویی چیست؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه هدف و ماهیت از نوع مطالعات کتابخانه ای، اسنادی و براساس احصای دلالت‌های تربیتی از نوع مطالعات تحلیلی کاربردی- تبیینی است که از تکنیک تحلیل استنتاجی استفاده کرده، هم چنین اطلاعات جمع اوری با تکنیک کد گذاری و داده‌ها با استفاده از رویکرد توصیفی - تجربه و تحلیل شده است.

یافته‌ها:

مختصات آموزش و پرورش (مدرسه) مدنظر جان دیویی چگونه است؟ تعلیم و تربیت به مثابه یک تجربه:

برای بیان فلسفه و نظریه ای که اساس تعلیم و تربیت جدید را پایه گذاری می کند توجه به اصول مشترکی است که مبنای کار مدارس مترقی را تشکیل می دهد مفید خواهد بود. آزادی بیان و رشد فردی در برابر تحمیل و فشار از بالا؛ فعالیت آزادانه در برابر اعمال انضباط خارجی؛ یادگیری از طریق تجربه در برابر یادگیری از طریق معلم و کتاب؛ کسب مهارت‌ها و فنون به عنوان وسیله ای برای نیل به اهداف حیاتی و لازم، در برابر کسب آن‌ها به وسیله تمرین؛ بهره برداری از فرصت‌های زندگی کنونی در برابر آمادگی برای آینده ای نسبتاً دوره آشنایی با دنیای در حال تغییر در برابر اهداف و مطالب ثابت (Dewey, 1990).

این اصول خود به خود حالت تجریدی دارند، ولی وقتی محسوس می شوند که نتایج آن ها در موقع اجرا معلوم گردد. باید دید که این اصول در عمل چگونه تعبیر یا تفسیر می شوند (Shariatmadari, 2006). دیوئی معتقد است که انتقاد از فلسفه و اساس تعلیم و تربیت قدیم زیاد مهم نیست، بلکه تهیه اصول مثبت و سازنده، کار اساسی است.

ماهیت رغبت و انضباط در این نوع مدرسه

دیوئی معتقد است هر فعالیتی که متوجه هدفی باشد شامل دو جنبه خواهد بود: رغبت و انضباط. بسیاری از مریبان انضباط را مخالف بلکه نقیض رغبت می شمارند. ولی این دو به هم وابسته اند. اگر رغبتی در شخص برانگیخته شود، انگیختن اراده درست میسر نمی گردد. زیرا کسی که به کاری راغب نباشد، نمی تواند عمیقا درباره آن تامل کند و با شوق و ذوق در اجرای آن بکوشد. تفکر برکنار از رغبت بسیار سطحی و نا رساست. وقتی که کودکی از فراگرفتن مطلبی سر می پیچد، مربی معمولا به فکر می افتد که به عوامل انضباطی متوسل شود و اراده ی او را تحریک کند. ولی برای تحریک اراده، رغبت ضروری است. بنابراین باید رغبت و انضباط را لازم و ملزوم دانست (Dewey, 1961).

نوع تفکر در مدرسه جان دیوئی

دیوئی معتقد است که تفکر محور آموزش و پرورش است و روش های آموزش و پرورش باید مبتنی بر جریان تفکر باشند. هر روشی که بهتر از روش های دیگر کودک را به تفکر بکشاند، با ارزش تر است. تفکر و نیز تحقیق علمی شامل چند مرحله است. در مرحله اول انسان به عمل و تجربه می پردازد. در مرحله دوم به مساله ای بر می خورد. در مرحله سوم اطلاعاتی گرد می آورد در مرحله چهارم به مدد آن اطلاعات راه حلی برای مساله می جوید و در مرحله پنجم برای گشودن مشکل خود، راه حل را به کار می برد، یعنی مجددا به عمل و تجربه روی می آورد. وظیفه مربی این است که به جای تحمیل افکار و عقاید خود به کودکان، وسایل و اوضاع و احوالی فراهم آورد تا کودکان همواره با مسائل متناسبی برخورد کنند و برای حل آن ها کوشش کنند. (Dewey, 1962).

روش اداره مدرسه

دیوئی معتقد است که در مدرسه سه عامل در کارند: مواد درسی، روش و دستگاه اداری دو گرایانه یعنی کسانی که ذهن را از ماده مجزا و مستقل می دانند، می گویند که مواد درسی عبارتند از: مجموعه های معینی از واقعیات، طبیعت و اجتماع که باید به یک کودک عرضه داشت و روش عبارت است از طریقی برای حصول این مقصود.

این گروه معتقدند که مواد درسی و روش به یکدیگر مربوط نیستند، چنان که می توان بدون توجه به مواد درسی، روش های آموزش آن ها را تعیین کرد. دیوئی می گوید: روش و آموزش مواد درسی وابسته به یکدیگرند؛ زیرا آموزش هر گونه موادی مستلزم تفکر است و تفکر جریانی است منظم شامل دریافت مواد و عمل آوردن مواد. تفکر به اقتضای نظم خود، بر روشی معین استوار است. از این رو، هر دسته از مواد علم بشری، به حکم آن که مورد تفکر بوده اند، برای خود انتظامات و روشی دارند. بنابراین روش و مواد درسی نسبت به یکدیگر بیگانه نیستند، زیرا روش عبارت از ترتیب مواد است و این ترتیب استفاده از مواد را تسهیل می کند. مربی که به تدریس مواد درسی می پردازد، نمی تواند روش تدریس را به میل خود تعیین کند. روش تدریس وسیله ای است برای آن که مربی و دانش آموز بتوانند با بذل حداقل نیرو، به حداکثر از مواد درسی سود جوین. پس روش وسیله ای برای بهره برداری و نتیجه گیری از مواد درسی است (Dewey, 1961).

توجه به جنبه اجتماعی مواد درسی

ئی می گوید ملاک انتخاب اطلاعات را باید از جامعه گرفت. باید دید که کدام دسته از اطلاعات برای اکثر مردم سودمند است و کدام دسته فقط در خور دانشمندان متخصص است. بدون شک اطلاعاتی که در مدارس مقدماتی راه می یابد، نباید از دوره اطلاعات تخصصی باشد. آموزش و پرورش باید در وهله اول انسانی باشد و در وهله دوم تخصصی و حرفه ای این اصل در جامعه دموکراتیک اهمیت فوق العاده دارد. در چنین جامعه ای روشگاه علوم انسانی از مطالعات فرنی باید همه افراد را برای اشتراک در کارهای اجتماعی تربیت کرد و این امر وقتی میسر می شود که برنامه درسی جنبه اجتماعی تعلیم و تربیت را بر جنبه حرفه ای آن مقدم دارد. برنامه ای که از مواد اجتماعی بر کنار باشد، تحقق کمال مطلوب های جامعه دموکراتیک را دشوار می سازد (Dewey, 1984) مکتب های تجربه گرا تقسیم برنامه را به علوم و مواد مختلف نادرست می داند، زیرا می گوید: همه آن ها جنبه هایی از فعالیت انسان برای حل مشکلات محیطی و سازگاری با محیط هستند. کودک باید تجارب لازم را بیاموزد تا بتواند موجودیت خود را در جهان حفظ کند. بنابر این، برنامه درسی باید شامل انواع شناخت و مهارت هایی باشد که کودک در زندگی کنونی و آینده اش بدان ها نیازمند است. پس هر کودک باید ابتدا نوشتن و خواندن زبان ملی خود را یاد بگیرد و بتواند افکارش را با آن تعبیر کند. از طرف دیگر، یادگیری به ریاضیات احتیاج دارد و نیز در برنامه مدرسه باید درس بهداشت و تربیت بدنی را گنجانید. (Abbaspour, 1996).

تلفیق بازی و کار

دیوئی معتقد است که مواد آموزشی باید با فعالیت های عملی و بازی ترکیب شوند و نباید آن ها را به عنوان مواد و موضوعات درسی مستقل مورد توجه قرار داد (Chareh bakloo, 2005)

او می گوید از کار توان فرسا به هر صورتی که باشد باید پرهیز کرد. کار برای کار، نمودار رفتار پیرایش گرانه است. پیرایش گران بشر را چنان بی مقدار می شمردند که فقط متوجه مهار کردن انگیزه های شر او بودند. نتیجه این امر ایجاد فرهنگی بدون شادی و دشمن زیبایی بود. بازی به نظر دیوئی بخش اصلی تربیت است، زیرا شادی کامل زندگی را میسر می سازد و سرآغاز شکوفایی هنرهاست. تفریح تنها از لحاظ تندرستی ضروری نیست بلکه از این جهت ضرورت دارد که بر رشد هوش فرد اثری خلاق دارد (Mayer, 1995).

دیوئی در کتاب دموکراسی و آموزش و پرورش می نویسد: " باید برنامه های آموزش و پرورش شامل مواد عملی ساده ای باشد که کودکان را در ضمن کار با اشیاء و ابزارها و قوانین آشنا سازد و در عین حال به همکاری و زندگی جمعی سوق دهد.

مدرسه موظف است که کودکان را با بازی ها و تفریحات مثبت و سالم دمساز سازد تا عواطف و تخیلات آنان در معبر مناسب ریخته شوند و بعدا به صورتی مزاحم در نیایند. مدرسه باید کار و بازی را آشتی دهد و این امر وقتی دست می دهد که کار جنبه خشن و ماشینی خود را از دست دهد و بازی بر اثر افزایش خیال و عواطف پوج و بی معنی نشود) همان: (۱۴۷) اگر مواد درسی با فعالیت های عمل و بازی آمیخته شود ملال آموزش و پرورش از میان می رود و اختلاف زندگی داخل و خارج مدرسه مرتفع می گردد(همان: ۱۴۲).

تا این جا، نمایان شد که موسسه آموزشی مدنظر جان دیوئی، مدرسه ای است که قوانین مدارس سنتی را به کل زیر پا گذاشته است چرا که مبانی فلسفی این فیلسوف، متفاوت است که مشخصه اصلی آن، عملگرایی است. در ادامه متناسب با این ویژگی ها، وظایف مدیران آموزشی، احصا و ذکر می گردد.

وظایف اداره کنندگان و راهبران آموزشی متناسب با مدرسه مدنظر جان دیوئی

چیست؟

انعطاف پذیری در اتخاذ اهداف و تحقق آن

انعطاف در نظام اهداف نقطه آغاز ایجاد انعطاف در نظام طراحی درسی به منظور تامین حقوق اقلیت ها در چهار چوب همگرایی و وحدت ملی است و امکان مشارکت همه عوامل آموزش و پرورش را در طراحی برنامه درسی فراهم می سازد. در چهار چوب انعطاف در نظام اهداف، تامین نیازهای ویژه هر یک از دانش آموزان با تنوع نیاز های جسمانی، ذهنی، روانی، رفتاری، هوشی و ... امکان پذیر است. باید اهداف کلی و اهداف دوره تحصیلی دارای فصل مشترک با موضوع حفظ وحدت ملی و چشم انداز آینده کشور و فصل تمایز در تامین نیازهای قومی و محلی باشد و نیازهای گروه هایی با حیطة خاص از تفاوت های فردی را در بگیرد (Kaka Joybari, 2005) لذا مدیر آموزشی باید، ویژگی مهم انعطاف پذیری، را داشته باشد تا در مدرسه مدنظر جان دیویی، موفق عمل نماید. این دلالت مبتنی بر فلسفه ی پراگماتیستی جان دیویی است که تعلیم و تربیت را به مثابه تجربه می داند. هر تجربه ای که مفید زندگی اجتماعی باشد ولو جزئی و ناچیز. لذا انعطاف پذیری و عدم سخت گیری در تحقق اهداف نا مرتبط باید مدنظر مدیران آموزشی این مکتب قرار گیرد.

طراحی فضای فیزیکی مدرسه

رعایت منعطف سازی در طراحی فضای آموزشی از نظر امکان تغییر کاربری در داخل فضا، جابجایی آرایش صندلی، تابلو، میز گرد در داخل کلاس و ... بر اساس نیازهای مدرسه زندگی، مناسب سازی تدریجی فضای فیزیکی مدارس از نظر برخورداری از آرامش و نشاط، فضاهای چند منظوره عبادی، ورزشی، آزمایشگاهی، کارگاهی و توجه به الزامات شرعی مربوط به مدارس دخترانه برای عدم نیاز به رعایت حجاب کامل در مدرسه، برنامه ریزی مدت دار برای حذف مدارس غیر استاندارد و تبدیل آن به فضای مناسب آموزشی، حمایت از مدارس در جهت تجهیز به فن آوری اطلاعات (ICT).

به نمایش گذاشتن کارهای دانش آموزان در راهروها و کلاس ها و ... استفاده از تصاویر شاد و رنگی در دیوارهای مدرسه و کلاس، نمایش مطالب آموزشی بر دیوارهای کلاس، راهروها و ... تمیز و آراسته بودن سرویس های بهداشتی، وجود آب آشامیدنی گرم و سرد بهداشتی و ... از دیگر الزامات محیط فیزیکی مناسب در مدرسه است. (Morris and Reynolds, 2005) ساعات حضور کودکان در مدرسه باید افزایش یابد و برای مفید بودن این ساعات و استفاده بهینه از اوقات فراغت دانش آموزان باید امکانات گوناگون آموزشی و ورزشی و ... به این امر اختصاص یابد. این امر می تواند با هزینه بسیار کمتری از آنچه که والدین برای کلاس های گوناگون بیرون از مدرسه می پردازند تحقق یابد به این طریق افراد

محروم از امکانات نیز می‌توانند در توسعه و رشد استعداد‌های گوناگون خود موفق باشند که وظیفه مدیر است این محیط را فراهم کند.

ارتباط دادن مدرسه با جامعه

تربیت اجتماعی را نباید اتکای الگوی خاص زندگی موجود تصور کرد. واقع بینی، تشخیص درست، آمادگی برای تصمیم‌گیری متعادل، تعادل برای واکنش مناسب در برخورد با مسائل مهم زندگی مهم است. در تربیت اجتماعی باید کودکان را به اندیشه و انتخاب مجهز کنیم و این مستلزم آن است که تربیت اجتماعی از مسائل ساده و عادی و مبتنی به زندگی هر دوره سنی آغاز شود و سیر تکاملی مرحله به مرحله را پشت سر بگذارد تا به توانایی لازم برسد. کودکان باید به تناسب شرایط سنی و رشد اجتماعی خود عملاً در امور زندگی جاری نقش داشته باشند و پدر و مادر و اولیاء مدرسه ناظر کار و مشاور و راهنمای آنان باشند. تنها راه رسیدن به این مقصود ادغام فعالیت‌های تربیتی با پدیده‌های عینی زندگی است (Moayeri, 1999)

فراهم آوردن محیط توأمان بازی و کار و تفکر ورزی

در مدرسه‌ی براساس دیدگاه دیوئی استوار است که در آن مطالب درسی به صورت معما و مساله برای شاگردان مطرح می‌شود. در این شیوه معلم به جای بیان مطالب درسی و حقایق علمی، یک یا چند مساله را مطرح می‌کند و یا خود دانش‌آموزان را به طرح مسئله تشویق می‌کند و سپس شاگردان به حل آن‌ها با راهنمایی معلم می‌پردازند. در این روش دانش‌آموزان خود به مطالعه و بررسی حقایق علمی به عنوان وسیله‌ای برای حل مسائل می‌پردازند و به این وسیله قوه تفکر و ابتکار آنان رشد می‌کند. البته معلم از سایر روش‌های مفید نیز برای راهنمایی شاگردان و تدریس به آن‌ها استفاده می‌کند مثل روش تهیه طرح یا پروژه، روش بحث آزاد و روش‌های گروهی و جمعی هم چنین در این مدرسه به نیاز دانش‌آموزان برای ابراز افکار و عقاید خود، اهمیت بسیاری قائل هستند و معلم باید فرصت کافی برای شاگردان ایجاد کند تا بتوانند افکار و عقاید و هنرمندی خود را آزادانه آشکار و به دیگران عرضه کند. (Brown, 2001)

مولفه و اوصاف مبانی فلسفی جان دیویی چیست؟

هستی شناسی : اگرچه کلید سامانه فکری دیویی در جستجوی یقین نهفته است، در خلال آثار فلسفی و تربیتی خودش علیه تصور دوگانه از واقعیت سخت می‌گوید. به ادعای او، این تصور، صرفاً تمهیدی انسانی برای مسلم فرض کردن قلمرویی از یقین تام، کامل و لایتغیر است (Gotek, 2012: 125).

انسان شناسی : انسان موجودی زیستی و پیوسته با جهان است. انسان جدا از طبیعت نیست، بلکه جزیی از طبیعت و دائماً با آن است. این موجود زیستی همواره تحت تأثیر محیط طبیعی و اجتماعی خود قرار دارد، چون در اجتماع زندگی می‌کند و واحدی از اعضای جامعه انسانی است، پس با وجود تفاوت‌های گوناگون فردی به همدیگر پیوسته‌اند و مدام در تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر قرار دارند. فکر فرد در مسیر جمع به کار می‌افتد، یعنی اندیشه فرد انعکاسی از اندیشه اجتماع در اوست (Dewey, 1949: 10).

معرفت شناسی : دیویی به جای پرداختن به مسائل مابعدالطبیعی به مسائل معرفت شناسی پرداخته است. به نظر او همچون عملگرایان دیگر، شناخت، وجهه آزمایشی دارد و برپایه شعور متعارف از همان روش علمی یا عمل کامل تفکر پیروی می‌کند (Gotek, 2012: 132).

ارزش شناسی : آزمایش گرایی دیویی به همان اندازه درباره مسائل ارزشی صدق می‌کند که درباره پژوهش واقعی، وقتی که دیویی از ایده آلیسم به پراگماتیسم روی آورد، به تدوین نظریه ارزشی غیرمتافیزیکی دست یازید.

موضوع	مولفه ها و اوصاف
هستی شناسی	اصل تغییر + اصل تجربه + دنیای نامطمئن - دنیای نامعین جهان در حال تغییر است - جهان قابل تجزیه کردن است جهان نامعین است / تجربه اساس جهان است / جهان نامطمئن است جهان کثیر است / جهان وضعی نامعلوم دارد

موضوع	مؤلفه‌ها و اوصاف
انسان‌شناسی	اصل تعامل با محیط + اصل وحدت تجربه + اصل مارک‌گرایی + اصل طبیعت‌گرایی تکامل زیستی + اصل اجتماعی زندگی انسان مستلزم تعامل با محیط است/ تجربه انسان عامل وحدت اندیشه و عمل و واقعیت و ارزش و عقل و عاطفه است/ انسان جزئی از طبیعت است و جامعه حاصل تکامل زیستی انسان است/ انسان هم طبیعی است هم اجتماعی

موضوع	مؤلفه‌ها و اوصاف
معرفت‌شناسی	اصل آزمایش + اصل مترادف + اصل برابری + اصل وابستگی + اصل اجتماعی + اصل داد و ستد آزمایشی بودن شناخت/ مترادف بودن معرفت و حقیقت / برابری معرفت با حقیقت/ وابستگی معرفت به موقعیت خاص/ احتمالی بودن معرفت/ معرفت ماحصل تأثیر و تأثر فرد با محیط است/ معرفت حاصل داد و ستد فرد با محیط است

موضوع	مؤلفه‌ها و اوصاف
ارزش‌شناسی	اصل ابزاری + اصل نسبی + اصل آزمایشی + اصل تجربه + اصل آزادی + اصل سودمندی ارزشها دو نوع است ۱- ذاتی ۲- ابزاری/ عدم پذیرش خیر مطلق/ ارزشها وجه آزمایشی است/ ارزشها همان تجربه است/ نسبی بودن ارزشها/ پایبندی به آزادی/ معیار مطلوبیت ارزشها، سودمندی آنهاست.

نتیجه گیری

دیوئی فلسفه پراگماتیستی خود را ابزار گرایی می نامد. در بحث از جهان شناسی، دیوئی اعتقاد دارد که جهان باز و گشاده و در تغییر دائم است و تنوع و تکثر در آن وجود دارد و نا مطمئن و خطرناک است و رسیدن به کمال مطلوب در آن از طریق عمل کردن و نه در خیال صورت می گیرد و نباید جهان را به دو عالم معقولات و محسوسات تقسیم کرد. محیطی که انسان ها در آن زندگی می کنند صرفاً طبیعی نیست و فرهنگی نیز هست. به عبارتی جهان دیوئی بافته ای از تجارب متغیر، ناتمام، نامعین و مسئله ساز است و انسان در آن با حرکت از مساله ای به مسئله دیگر راه خود را می گشاید تا بتواند موقتا آن را تحت کنترل خود بگیرد. دیوئی به امور واقعی و ادراکی که مبتنی بر عمل و فعالیت است توجه می کند نه به عالم معقولات و مجردات.

او رسیدن به کمال مطلوب را از طریق عمل ممکن می داند نه از طریق خیال کردن. در بحث از انسان شناسی او انسان را اساس فلسفه خود می داند. او انسان را نه تنها موجود عالم بلکه عامل نیز تلقی می کند. در این فلسفه انسان به عنوان یک کل واحد و فرد در محیط در نظر گرفته می شود و به بررسی و مطالعه رفتار انسان ها پرداخته می شود نه توصیف ذهنی آن ها. به اعتقاد دیوئی فعالیت های غریزی انسان مقدم بر همه چیز است و غرایز منشاء کلیه خصوصیات خوی و طبع آدمی هستند. فعالیت های فطری در نظر وی اکتسابی هستند و به کنش متقابل بین فرد و یک محیط اجتماعی اشاره دارند. در این فلسفه انسان به عنوان موجودی که گرایش طبیعی به فضایل و نیکی ها دارد نگریده می شود. او جزئی از طبیعت است و همواره در حال تحول و تکامل است و شخصیتش ثابت نیست. سعادت در نظر دیوئی مطلق و ثابت نیست و به معنی پیشرفت کردن و ترقی نمودن و به مقصود رسیدن است. او سعادت را دنیوی می داند و داشتن کنجکاوی، خلاقیت و ابتکار را از نشانه های سعادت می داند. او آزادی انسان را بسیار مهم می داند و آن را در توانایی اجرای عمل و حل مشکلات و توانایی تغییر جریان عمل و آزمایش های نو و توانایی برآوردن میل و به کار گیری اختیار می بیند. این فلسفه در بحث از شناخت شناسی معتقد به این است که معرفت از طریق داد و ستد میان انسان و محیط وی به دست می آید. انسان وقتی با اشیا و پیرامون خود به تجربه می پردازد، فاقد قصد و عمل نیست، بلکه با آگاهی و با انتظارات معینی با اشیا رو به رو می شود و فعالانه با آن ها برخورد می کند و بر این اساس به شناخت آن ها نائل می شود. شناخت از تجارب انسان حاصل می شود. تجربه مرکب از مجموع تغییراتی است که محیط خارجی در اعمال ما ایجاد می کند و مجموع تغییراتی که اعمال ما در محیط خارجی به وجود می آورد. دیوئی تفکر را کوشش عمدی می داند برای پیوستن و اتصال آنچه می توانیم

بکنیم و آنچه از کار ما نتیجه می‌شود. تفکر حاکی از این است که شخص متفکر جریان ناتمام ولی قابل استمرار و کمال‌پذیری را مورد توجه قرار داده است. تفکر مستلزم جستجو و تحقیق است. روش کسب معرفت در این فلسفه روش علمی یا روش حل مساله است. معرفت به موقعیت مخصوص بستگی دارد و برای بررسی آن باید موقعیتی را که در آن معرفت حاصل شده است را در نظر گرفت. معرفت نسبی و وابسته به شرایط است. معرفت امری احتمالی است نه یقینی و موضوع ذهن و سایر فعالیت‌های آدمی است و صرفاً امری خارجی نیست. از نظر دیوئی ارزش‌شناسی و علم اخلاق تمامی وجوه زندگی انسان را در بر می‌گیرد. اخلاق جنبه انسانی دارد نه آسمانی و با واقعیت‌های زندگی سروکار دارد. طبع انسانی و شرایط اجتماعی در شکل‌گیری اخلاق نقش دارند. اخلاقیات اموری اعتباری و نسبی هستند و کمال مطلوبی وجود ندارد و مطلوب‌ها از واقعیات زندگی ناشی می‌شوند و عملکرد فعلی فرد ملاک ارزیابی اخلاق است. اخلاق امری اکتسابی است و اخلاقیات همان آداب و رسوم و سنن و عادات جمعی است. امور اخلاقی و ارزش‌ها فی‌نفسه دارای ارزش بالاتر و پایین‌تر نیستند بلکه ارزش هر عملی در موقعیت خاص سنجیده می‌شود. با این اوصاف از فلسفه دیوئی، قطعاً مدرسه متناسب با این دیدگاه نیز مختصات خاص خود را پیدا می‌کند که در این نوشتار بدانها پرداخته شد و به تبع این ویژگی‌ها، راهبر و مدیر این موسسه نیز باید خصوصیات را داشته باشد که از آن جمله انعطاف‌پذیری در اتخاذ و تحقق اهداف، طراحی فضای فیزیکی مدرسه، ارتباط دادن مدرسه و جامعه و فراهم آوردن محیط توأمان بازی و کار و تفکر ورزی. امید است تعلیم و تربیت ما نیز با بهره‌گیری از نقاط مثبت و جهان‌شمول این مکتب، عملگرایی را در آموزش به منصفه ظهور برسانند و راهبران آموزشی را به نحو احسن وظایف محوله به خود را متناسب با این ویژگی‌ها، انجام دهند.

References

- ≠ Abbaspour, Noor Ali (1996). Investigating the Application of Philosophical Theories in Curriculum Planning with Emphasis on John Dewey Theory, Master's Thesis, Tarbiat Moallem University of Tehran. (In Persian)
- ≠ Chareh Bakloo, Mohammad Reza (2005). "A Study of Educational Philosophy of John Dewey and Its Relevance to Education in Iran" (Dissertation (Ph. d). Panjab University, Chandigarh.
- ≠ Dewey, John (1955). Morality and personality. Translated by Mushfeq Hamedani, first edition, Tehran. Safi Alisha. (In Persian)
- ≠ Dewey, John (1962). An Introduction to the Philosophy of Education (Democracy and Education). Translation: Amir Hossein Arianpour, Tehran: Tehran Bookstore. (In Persian)
- ≠ Dewey, John (1984). Human Ethics and Behavior, translated by Amir Hossein Arianpour, Tehran Book Translation and Publishing Company. (In Persian)
- ≠ Dewey, John (1990). Experience and education. Translated by Seyed Akbar Mir Hosseini. Tehran: Book Translation and Publishing Center. (In Persian)
- ≠ Dewey, John (1990). Experience and education. Translated by Seyed Ali Akbar Mir Hosseini. Tehran: Book Translation and Publishing Center. (In Persian)
- ≠ Dewey, John (1939). The School and Society. University of Chicago Press. (In Persian)
- ≠ Haji Mir Ghasemi, Seyed Mojtaba (2015) A Study of the Relationship between Nervous Pressures and the Performance of Educational Managers, Management and Education Quarterly.
- ≠ Kardan, Ali Mohammad (2002). Training of educational votes in the west, Tehran: Samat. (In Persian)
- ≠ Shariatmadari, Ali (2006). Principles and philosophy of education. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- ≠ Meyer, Frederick (1374). History of Educational Thoughts, Vol. 2, translated by Ali Asghar Fayyaz. Tehran: Samat. (In Persian)
- ≠ Moayeri, Mohammad Taher (1999). Good kids, bad upbringing. Tehran: Amirkabir. (In Persian)
- ≠ Maurice, Daniel and David Reynolds (2005). Effective training (efficient teaching method). Translated by Mohammad Ali Besharat and Hamid Shamsipoor, Tehran: Roshd. (In Persian)
- ≠ Kakajavibari, Ali Akbar (2005). Future education (strategies, policies and programs). Volume 4, Tehran: Pajhushkadeh Education. (In Persian)